

انگلس

ادرس دفتر جریده: - جاده میوند اپارتمان ۴۲ کابل

تمبر تلفون: - ادرس تلگرافی: (انگلس)

تاسیس ۹ حوت ۱۳۲۹

هر روز یکشنبه و چهارشنبه به پشتو و فارسی
نشر میشود

شماره نهم

سال اول

چهارشنبه ۷ حیل ۱۳۳۰

ف سراج لیسان سیه حق

خطاب به جوان افغان

بیا تاگل برافشانیم وی دروغفروان دازیم
 فلك را سقف بشكافیم و طرح نو اندازیم
 این روزها که میبینم در اثر آزادی قلم و پدید آمدن بعضی
 جرائد ملی در اثر زحمات بعضی جوانان احساس مملکت
 عزیز ما بخواند همیشه همیشه مانسند کشورهای ترقی
 جهان گامهای چند در راه بلند کردن سطح فکرو دانش
 مردم بود اول و از ترقی مملکتی برخوردار شدند پس
 بر شماست ای جوانان ملت کوهساز! با پنداری ملت شما
 به حد از کاروان تمدن عقب مانده است که به کترین غلظتی
 ممکن است بانگ جرس هم در گوشه ای تان نرسد و در میان
 سرگشته و راه گم مانید - بیایید ای جوانان!
 درگیر و درگیر از دنیای امروز روح شهامت و جوان مردی - راستی
 فدیت - از خود گذشتن - زحمت کشی و حق گوئی را همیشه
 خود گرفته عادات پست و منزله از قیل و دو روشی -
 چاپلوسی - موزه پاکی - تعلق - سالوسی - ترس از -
 حق گوئی - این الوقت بودن به هر قیمتی که باشد جاه و مقام
 خود را میراثی پسنداشته بدندانها محکم گرفتن -
 بهر ساز رقصیدن یاردارا و دل باسکت در داشتن - بدایر
 ایجابات - مادی مسلک خود را تفسیر دادن -
 و امثالهم را پشت پا زده - ترك نمائیم -
 زیرا امروز در افغانستان تحولات بزرگی در شتون سیاسی
 اجتماعی مطبوعاتی حتی افکار و آرا افراد پیدا شده
 میرود - تساوی حقوق افراد - آزادی عقیده صدای -
 دیموکراسی اعنی حکومت عوام از عوام بر عوام از هر گوشه و
 کنار شنیده میشود - پس بیایید ای جوانان از خواب -
 گران بیدار شویم پس است بسیار خواهیم دیدیم همان قدر
 بقیه در صفحه (۲)

گوش شیطان کور

بما میگفتند قانون مطبوعات نیز مانع از بعضی قوانین دیگر
 برای نام است چاپش بودند و از بردن قانون مطبوعات بخواه
 زمانه بماندند - وهم گزشتند می نمودند که به احدی -
 اجازه نشر جریده ملی داده نخواهد شد - اگر
 بافرقی مجال اجازه هم داده شود پس از نشر و همطور
 با صاحب امتیاز و مدیر مسئول آن ترحیب خواهند گردید -
 باین داریم که طرف مقابل را نیز ازین قید مضم خوارى ها
 کرده باشند مثلاً گفته باشد که بجز روی کلامیدن
 جرائد ملی حتماً در افغانستان انقلاب برپا نشود
 و با غیر حق مشخصات اشخاص تجاوز خواهند کرد و یا
 (خدا نخواستند) در دست برگان نشر افغانستان
 استعمال خواهند شد -
 و شاید برای جاو گبری از همین تلقیات غلط بود که قانون
 مطبوعات شکل قانون جزاء بخود گرفت -
 بهرحال شاه - جس - وان مسا برخلاف انتظار
 مرتجعین قانون مطبوعات را بصدق خود رسانید -
 قانون نشر گردید و بجزایه ملی نیز اجازه داده شد
 ولی گوش شیطان کر نه کدام انقلابی چینی بود
 غیر حق مشخصات اشخاص حماه شد - و در دست اغیار
 که هیچ تصور از مهربانی یخن کسی را چسبید همه میزدند
 که هدف جرائد ملی جز اظهار آرزوهای ملی چیزی دیگری
 نیست - آنهاستیکه میخواستند باظهار آرزوهای ملی موقع
 داده نشود بقره! دشمنان ملت و حکومت بودند چه
 آنها آرزو نداشتند پرده های سیاه بی اعتمادی که -
 دستهای موحوس شان برای اغراض شخص و حفظ مقام و
 جوکی بین ملت و حکومت انداخته بودند از بین بپاره شود -
 بقیه در صفحه (۲)

قابل توجه ریاست زراعت

و شعبه ناقلین وزارت داخله

از سال یازم دراز گننه میشود در حدود چند دلك جریب زمین در صفحات شمال مسکت موجود است - که برای اشخاص -
 بی زمین بصورت ناقلین داده میشود و پرورژه و پیلان های آن
 از سیار زمان است که ترتیب گردیده است اما طوریکه -
 شنیده میشود فیصد دو هم این پیلان و پرورژه تطبیق -
 نگردیده مردمان بی بضاعت و بی زمین در آن سر زمین نقل
 داده نشده و زمین ها خار و ولا مزرع باقیمانده اگر بدین
 قرار در این مدت زیاد املاک مذکور برای دهاقین و اشخاص
 بی زمین تماما سپرده میشود و مواد قانون ناقلین طبق
 میگردید آن حصص سر سبز و شاداب و یک عده اشخاص از
 پسریشانی و عسرت نجات یافته بمرام و مطلوبه خود یعنی
 اراضی خلق (کامیاب میگردیدند خیرمضی مامضی -
 کثرت وقت را از دست ندهند و بمجرد اعلان و آگاهی به
 مردم - گفته میتوانیم که از مردمان علاقه جات پنهان -
 چهاردهی - ده سبز - علاقه بتخاک - چکری - میدان
 وردک - لهوگود - کوهدامن و شمالی و غزنی مشرقی و
 جنوبی و غیره به هزار ها خانه واری حاضر میشوند که
 برای شان زمین داده شود و شرایطی که در قانون ناقلین
 موجود است تکمیل مینمایند. اگر دواثر رسمی توجه نمایند
 از یکطرف مردمان بی زمین مرفه الحال میگردند و از طرف دیگر

به بسیار زودی آن حصص سر سبز و خورم خواهد گشت و هم
 پترقیات و اقتصادیات مملکت خدمتی را ریاست زراعت و -
 مدیریت - و بی ناقلین وزارت داخله انجام خواهد داد و
 وظیفه که بدواثر رسمی فرق الزکر سپرده شده بجا خواهد
 شد - - -

بقیه گوش شیطان کسر

تا آنها آب را خت کرده ماهی بگیرند - آنها بودند که
 نیک نیک دولت را بملت عملا " سیاه نشان میدادند -
 و آنچه برای شان از طرف دولت مجاز نشده بود بملت -
 مظلوم اجراء میگردند - و بملقبایل ارزوهای پساک ملت را
 در لافاه و بغاوت و سرکشی ملت بدولت جلوه میدادند -
 از اینجا بود که موقع استفاده سوء و تامین اغراض شخصی -
 برای شان مساعد و سبب درازی عمر چوکی و مقام شان میگردید *

بوقلمون کیست ؟

بعضی آنها را عقیده بر این است * اشخاصیکه در ملی دارند و
 یاد رکدام نقطه از امور ضعف و خرابی حس میکنند و در چوکات -
 ماموریت این احساسات پساک را ابراز میدارند - نامردانست *
 و این احساسات بی الایش وطن خواهان را طور دیگری تعبیر -
 نکرده میگویند : اقا اگر مرد هستی اول از چوکات خارج و بعد
 این گپ ها را بزنید *
 حال آنکه اگر یکسفر مامور حکومت میگوید رشوت خوردن بد است -
 حمله و مد اهنه کردن و خویشتن را بمقاسی رسانیدن بیست فطرتی
 میباشد و همچنان بعضی عیوب اجتماعی را روشن کردن و باصلاح
 آن کوشیدن ایما دخیل مخالفت مامور به حکومت شمرده میشود ؟
 خیر چنین چیزی ابد " در میان نبوده و نیست هر فرد وطن -
 چه مامور و غیر مامور حق دارد که اگر عیبی در امور اجتماعی
 ملاحظه کند آنها بگوید * و این چنین اظهارات ابد " -
 مخالفت نیست بلکه حکومت این چنین اشخاص را تقدیر میکند نه
 تزیین * اینهم یکنسوخ از عقائد مرجعین است که مفهومی -
 ندارد * ولی به عقیده من کسانیکه در پرور چیز بی بودند و امروز
 چیزی دیگری هستند و فردا این هر دو نخواهد بود نامرد
 است * بنده را عقیده بر این است ایها نویسنده گان محترم -
 در باره * مردمان بوقلمون صفت و سست و نصریکه در فوق از -
 آنها نذکری بمیان آمد - چه عقیده دارند *

(م - الف)

* - - اکتون که بجرائد ملی شه زمینده نشر میباشد
 هر طبقه ملت میتواند ارزوهای ملی خود را ذریعه جرائد ملی
 نشر و بنظر دولت برسانند *
 ولی اگر باز هم بجایز گران پرده * سیاه موقع بازی داده شوند
 تا نظریات پاک جوانان بیدار ملت را طور دیگر جلوه دهند -
 تکرار سهو خواهد بود * ولی ما از اراکین دولت انتظار توقع -
 داریم که دیگر باین طور اراجیف موقع نخواهند داد و هر چه
 بنظر شان مشـ کـ وک ایـ د ر ا سـ ا
 آنها تحقیق و تصفیه خواهد شد -
 نمود تا به این وسیله روح بی اعتمادی -
 بصورت قطع از بین برود *

عبدالحسین (صافی)

یستونستان به گم

که ویش حلی وم دخپل قام تسلونشان به گم
 یستونستان به گم دقام دپاره
 به سارنده کی شهید شوی سیه خوانان به گم
 یستونستان به گم دقام دپاره
 که ویش حلی وم جیلخاننه به خپل ورونه خلاص کړم
 آزاد ووخونه خلاص کړم
 که سری لیرشی زه اول خان غفارخان به گم
 یستونستان به گم دقام دپاره
 که ویش حلی وم دخپل ورونه ات تقام به واخلم
 ملی انعام به واخلم
 که ویش د نظام اتدی بیه هغه کوچنیان به گم
 یستونستان به گم دقام دپاره
 که ویش حلی وم بدر سوم بدعتنه سات به وړک کړم
 تعصبات به وړک کړم
 چه فدا شوی می دی ورونه هاگلان به گم
 یستونستان به گم دقام دپاره

اثر محمد رسول
په پستون

در پی درک معانی گرچه حیران گشته ام
 باز هم در جستجویم کی پشیمان گشته ام
 موج سیل کوهسارم شور شوقم را بپوش
 این خوشان وقتی که اندر بحر طوفان گشته ام
 چاره بیدرد و اهل درد غیر از درد نیست
 درد خواهم درد جویم درد و دربان گشته ام
 بر سرم از آسمان آتش اگر باران رواست
 منگه اندر سخت جانی هم جوسند آن گشته ام
 پرچم خون تازه در گلک بشاخ اندر چمن
 که نسیم صبح و گاهی ابر نیسان گشته ام
 رشته جمعیت خاطر مرا از زلف کیست؟
 کین چنین سر حلقه عجم پریشان گشته ام
 کی رسد پروانه این سوختن اغوش یار
 زان سبب از عافیت جوشی کریزان گشته ام

شاغلی فضل احمد (سرشاه)

که چه بد به بندید پی کار وطن
 ر اشک فر دوس کنید صفحه گل زار وطن
 جنس عام و هنر آرید به بازار وطن
 با سر خود همه گردید خریدار وطن
 وطن از ما میهن از ما همه کی افتادیم
 از تمدن ز جهان تابه کجا پس مانسیم
 هله برخیز که این وقت تن اسائی نیست
 روشرتیبی و جهل زد انائی نیست
 حرف از رستم و سهراب وصف ارائی نیست
 قرن بیست است واتم جای شکستائی نیست
 خواب راحت نتراند که کند چاره گری
 در گذر این همه از واهمه و دیو و پری
 ابد الد هر چرا بلرجهالت بکشیم؟
 تابه کی از خرد و بیگانه خجالت بکشیم؟
 وقت است وقت اگر اندکی زحمت بکشیم
 بخدا دردی خود را ز فلاکت بکشیم
 بدل و جان شب و روز همه کار کنیم
 بهر آبتای وطن خدمت سرشار کنیم

بقیه خطاب به جوان افغان

که دیرتر بیدار شدیم باید زیاد تر کار کنیم ورنه ضرب المثل معروف
 در مورد ما مردم حقیقت پیدا میکند که ((گدشته ما را فریب داد
 حال در پی آزار و عذاب ما است - آینه ما را متوحش و پریشان
 میسازد)) بیائید ای جوانان عزیز برای پیشرفت این مملکت -
 بی چاره خود ایثار نمائیم دست اتحاد بدهیم مبارزین حقیقی
 اجتماعی شویم - تمام سعی و قوت خود را تمرکز دهیم تا وظایف
 خود را به بهترین وضعی ادا کنیم .
 برای اظهار حقیقت هر قدر صدمه و عذاب ببینیم اهمیت ندهیم
 بلکه نگذاریم حقیقت در اثر اظهار نکردن ما گرفتار صدمه و عذاب
 شود - مفاسد و خرابیهای بزرگ جامعه را بوسیله استقامت و
 پایداری از بین ببریم و حاضر مبارزه با آنها شویم در سایه حریت
 و فطرت نیک بتوانیم به اصلاحات بزرگ اجتماعی موفق شویم -
 عزم متین اراده آهنین نشان دهیم پس ای جوانان افغان اگر
 باهواتح مواجه شوی ماء یوس و ترسو مباش - نشنیده شی که -
 میگویند - هیچ وقت مردمان ترسو وضعیف النفس - این الوقت
 و محافظه کار مطلق اثری از خود بر صفحه روزگار نگذاشته اند
 بگوش تا حاصب عزم و اراده قوی باشی زیرا ضرب المثل معروفی است
 که شخصی قوی و ابشار هر دو راه خود را باز میکند - بالآخره -
 امروزه افکار نوینی در بین عده جوانان پیش از پیش بوجود
 آمده و ما را بسوی نهضت حقیقی کشور میکشاند شما هم
 ای جوانان حواس هر یک بنا بر استعداد ذاتی و تربیت فکری هر
 کدام کم و بیش از این عطیه بزرگ بهره گرفته باتمام قدرت و توان
 خود بکوشید تا طرح نو انداخته روزی شود که ملت عزیز ما و
 شما هم - از همه نعمت ترقی دنیای کنونی برخوردار و در -
 قطار ممالک رفاهه جای گیرد .

جریده ملی انگار بنسبت حلول بیست

ششمین سال حیات مطبوعه

روزنامه انیس تبریک صمیمانه

خوبش را به کارکنان نامه موصوفه عرض و موافقت

شان را در بر آوردن ارزوهای ملی هم وطنان خواهشند

امد گ

چکوره

يك خاطرہ از نوروز

انبوه عظیم توده جات کنی های زمستان را گذاشته بمانند
ان قومیکه در تلاش سر زمین موعود باشد باستقامت باغ یا بستر
دو هجوم اند من و رجب خان دوشا دوش این اجتماع کنگه
پشوی دراستانده باغ ظاهر شدیم *

با اولین برخورد ملاحظه شد که پولیسان طبق معمول همه
ساله بی پولیس گری مشغول اند و در ان حیص و بیص که از سوراخ
سوزنی هزاران قافله می خواهد جان بسلامت عبور کنند کمربند
حواله داری را بدست گرفته به طرف حواله میدادند تا
بزم خود انتظام را برقرار و آرامش را بحکم تامین نمایند
درین جا خواستم راه حلی از رجب خان جستجو نمایم ولی او
پیش دستی نموده گفته -

چکوره جان عزیز یقین است ما هر دو نیز مانند این مخلوق
خدا جان پخته و اوننگه سائیده میباشیم که بهشت ولایت و
فتش شنیدن خو گرفته و الحال از شوخی و باه ان قائل میباشیم
ولی میدانی که هر چه باشد من و آن نظمه کارم و در طبق سنت
گذشته گان معتقدیم که اگر از اولین در طبق نوروزت بخورم
سال جدید را تمام باک و کوب میبری خواهش نمودم بهتراست
مقدرات خود را بدین بسا از بدین چون وجود تابع من باشی
گفتم از تو امر مؤمن اطاعت

از گاه فرت زدن از راه دو موری بدرون باغ می شدیم احاطه
داغی باغ که گنجشکها همیشه مردم را تمسک داشتند و
از مریهاری ... غرض اختراعات اژدها در اینصورت و معلوم
میشد که مغربین ما کی از دروه عجیب بدرون میدان انحراف
جدا شده اند زیرا مردل بعضی آلات از قبیل طیلره و جینگسی
و مورتوهای تیز و فشار و کت سیخ و لافک و ... و لاق و فرغ
بناظر رسید که از این اعمال شده اند و رجب این انکشاف را
درهون توجهات ... ریاست عمومی صنایع دستی تلقی کرده
و فرزا یادداشت برداشت تا دراست مدح توریید آشیای غیر
ضروری این چیزها را تیز قام داد گفت *

از ان گذشت بدسته جلین و ماشی رسیدیم و از ان شای را خیلین
کساد یافتیم قولا يك شاعر جایی دوست بدادم امد که گفته بود
... (انسانیکه پول دارند جلین می خواهند و آن انیکه
پول می خواهند پول ندارند) *

ریک کنج دیگر هیاهوی کار و حوال وطن جامعه خراشی
پندمرد اسپ کهای چوبی طالع بندگان
... انوها طوری در فعالیت بودند که عقل همه راه بر بود
قدری بالاتر يك احاطه را برای نمایشات رسمی و پذیرایی
دولتی بواسطه سیم خاردار محصور و گرد گردان را
... علاقه مندان فرا گرفته بودند که هر چند قد بلند
... مردم چیزی دستگیرمان نشد - مردم که میخواستند
تسهال پیروزیها و حیوان کستری های اولیای امور را بهتر
... تماشا کنند مانده مورچه از شاخ و پنجه های درختان
بالا رفته و در مقابل دوربین های عکاسی و فلم برداری خارجیان
... انین تفریحی با را بشکل داستانهای تارزن متعکس
... میساختن بعد تر گفتند مراسم پدایان رسید و میله تمام شد
چون گب دیگری نبود باغ را از همان راه اولی ترک کرده رفتیم *

ما وان گ

ستاره بدرخشیق و ماه مجلس شد

برق زنده نیکه مدتهدار فضای احساسات پرارمان جوانی
موجود بود و در پوس ابرهای مهیبه و مستد چشمش شور و شری داشت
دفعتا در اثر تامین صفائی افق از کتاره سرکشید قلوب بارقه
طلب را در تلولو و تششع خویش و ذوق و تپش را داشت ...
گرچه شعاع وضیائی بود اما برای اینکه همیشه ترقدم بردلها
حساس نمهد خود را انگار نمایم *

در این جا انگار از جمر آرزوهای آتشین چه ره برافروخت و غباریا
را از جان نداشت نکات پید حرارت و گرمی در جان نهفته راعرضه
قلوب فسرده و ایدان کرخت نموده ...
انگوزنوش نسیم های ملایم و مطبوع عواطف صاحبان ذوق و امال این
... انش بماره نسیم فسرده و انابت الک و بر آژنده در سالار و پیرامون
این جرقه های لعل فام ذرات آرزو و آرزوهای نامدنت پایشکسل
الکترون های فعال سرباز و رگوش است تا چشمش شراره ...
برخیزد و باس زند و حرارت انگاری جمودت معدوی و روحی را طلب
و توانی پیش ...

اری هرمن بدلی و هر سر با سواداش و هر دل با آرزوش چشم بر شراره
انگار دوخته است طوری که باجا بید و ایان دولت خواهد تیز
بوده و مرجع بهماران مطالب و آرزو خنایه ها است پدراگله نقطه
روشن امال بیکران ملی چو کات مندرجات نگار و صحنه است
اگر طریقی از بین ممالک زد بود سارم جسم برض و اشرف چو گشت
... میسازد و وضف عاطف و خیرت توانگری گاید نیکه دست
... مسانوان و از بیاضاده را و بران میسازد همین طور نور سینه و
نیاشری که در دل طبیعت جاری و در مایه های ارمانهای همه گان باشد
در حقیقت ظلم را بجای نیشه در دورانی کایخ آرزوهای انجمن
... کار برده جرم از بخفزی و با حرکت میسازد *

خدای بزرگ بر انگار سر و توانسی اعطا و هر شرارش تپ و تاب
و سوزش افروخته گی میخشد تا جمر های فشرده از اشکوش سر راه
حرارت گیرند و زوایای تاریک از سلسله اش کمپ نور و ضیاء نمایند
... من اله التوفیق * (محمد ابراهیم جانی مدیر مجله هرا)

شرحی اش تراک

کابل سالیانه ۲۶/۰ - افغانی
ولایت سالیانه ۴۰/۰ -
مسالك خارجه ۴/۰ -
قیمت يك شماره (۵۰) پول
مطبوعه : کستندر شخصی انگار
مطبوعه کستندر شخصی انگار